

نقشه تازه تأمین اجتماعی در سال ۲۰۲۵

نظام رفاه جهانی در آستانه دگرگونی ای بی سابقه قرار گرفته؛ گذار بزرگ از مدل های سنتی به سازوکارهای تاب آور، نوآور و فراگیر که بتوانند از پس شوک های هم زمان و فشارهای جمعیتی برآیند



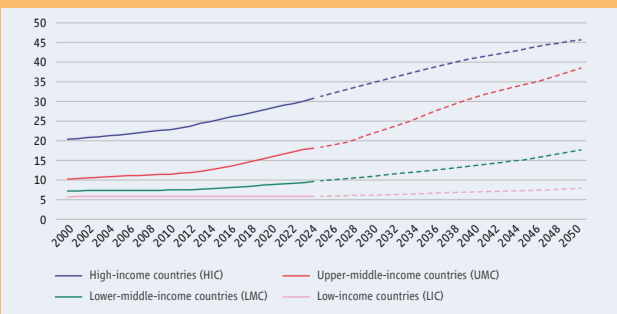
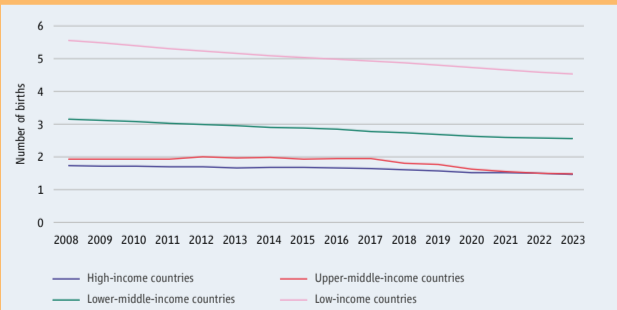
در فقر شدید زندگی می کنند و از حداقل حمایت اجتماعی محرومند. نظام های تأمین اجتماعی نقشی اساسی در کاهش نابرابری دارند، اما اثرگذاری آن ها تنها زمانی واقعی است که پوشش به همه گروه ها گسترش یابد.

خانواده ها در حال تغییر

دگرگونی ساختار خانواده، افزایش امید به زندگی و رشد مشارکت زنان در بازار کار، الگوهای جدیدی از نیازهای رفاهی ایجاد کرده است. با وجود پیشرفت ها، زنان همچنان بار اصلی مراقبت را به دوش می کشند و این امر کفایت مزایای اجتماعی آنان را کاهش می دهد. پاسخ به این تحولات مستلزم ارائه خدمات مراقبتی، مرخصی های حمایتی و سیاست های تقویت کننده برابری جنسیتی است.

تصویری از آینده نزدیک

نظام های تأمین اجتماعی در آستانه گذار بزرگ قرار گرفته اند؛ گذاری که راهی میان پایداری مالی، پوشش فراگیر و مقاومت در برابر شوک ها می جوید. تحولات جمعیتی، فناوری های نو، دگرگونی بازار کار و نیازهای روبه رشد اجتماعی، معماری رفاه را به سمت الگوهای چابک تر و انسان محورتر سوق داده است. جهان ۲۰۲۵ جهان بازتعریف تأمین اجتماعی است؛ جهانی که در آن، آینده رفاه نه با مدل های گذشته، بلکه با نظام های تاب آور، دیجیتال، فراگیر و عادلانه رقم خواهد خورد.



از جمله موانع اصلی سازگاری سازمان ها با شرایط جدید به شمار می روند.

شکاف های قانونی ماندگار

با وجود پیشرفت های سال های اخیر، گروه های آسیب پذیر—از جمله افراد دارای معلولیت، زنان، مهاجران و کارگران خوداشتغال—همچنان کمترین سطح حمایت را دریافت می کنند. طرح های سختگیرانه بیمه ای نیز قادر به پوشش دادن «میانی های گم شده» نیستند؛ گروه بزرگی که خارج از دسترس نظام های سنتی مانده اند.

فشار بر منابع مالی

ترکیب جمعیتی جدید، نوسان های اقتصادی و تغییرات بازار کار منابع بیمه ای را کاهش داده و بار نظام های بازتسهل را افزایش داده است. در حمایت های مبتنی بر مالیات نیز دولت ها به دلیل کاهش ظرفیت مالی، با محدودیت روبه رو شده اند. نظام های تأمین اجتماعی امروز باید با منابع کمتر، تقاضای بیشتر را پاسخ دهند؛ موضوعی که نیازمند بازطراحی الگوهای مالی و نوآوری در تأمین منابع است.

فقر و نابرابری طولانی مدت

با وجود کاهش فقر در دهه های اخیر، میلیون ها نفر همچنان برای تأمین نیازهای اساسی خود در تلاشند. در کشورهای کم درآمد، سهم بالایی از شاغلان

رشد پرشتاب کار پلتفرمی

کار پلتفرمی، ساختار سنتی بیمه پردازی را با چالشی جدی روبه رو کرده است. بیشتر کارگران پلتفرمی به عنوان خوداشتغال شناخته می شوند و عملاً خارج از چتر کامل تأمین اجتماعی قرار دارند. این تحول، تقاضای عمومی برای تعریف حقوق جدید، مسئولیت پلتفرم ها و نقش دولت ها در ایجاد چارچوب های اجرایی تازه را افزایش داده است.

ژرفای شکاف دیجیتالی

دیجیتالی شدن سریع، فرصت تحول در ارائه خدمات را فراهم کرده، اما هم زمان شکاف های زیرساختی و ضعف سواد دیجیتال، به ویژه در کشورهای کم درآمد، مانع بهره گیری کامل از ظرفیت فناوری شده است. برای گروه های محروم، شکاف دیجیتال نه تنها مانع دسترسی است، بلکه گاه آنان را از همه خدمات حذف می کند و به همین دلیل، سرمایه گذاری در خدمات انسان محور و راه حل های کم هزینه مبتنی بر موبایل ضروری است.

ظرفیت نهادی ناکافی

تحول در تأمین اجتماعی فقط با فناوری ممکن نیست، بلکه نیازمند ظرفیت نهادی قوی، نظام های هماهنگ و سرمایه انسانی ماهر است. با این حال، ساختارهای پراکنده، سامانه های قدیمی، مقاومت در برابر تغییر و کمبود مهارت ها

برای برابری در دسترسی است.

هم زمان، رویکرد چرخه زندگی—از مزایای کودک و خانواده تا حمایت از بیکاری و کاهش بار مراقبت—به محور سیاست های نوین رفاهی تبدیل شده و همبستگی بین نسلی را تقویت کرده است.

جمعیت در حال دگرگونی

سالمندی شتابان جمعیت، سیستم های بازتسهل و سلامت را تحت فشار قرار داده است. کشورهایی در شرق آسیا و اروپا با افزایش نسبت وابستگی و کاهش شدید نیروی کار روبه رو هستند و ناگزیرند الگوهای مالی و خدماتی خود را بازنگری کنند. حتی مناطقی مانند آفریقا—دارای جوان ترین جمعیت جهان—نیازمند آمادگی برای دوره های آینده سالمندی هستند تا بتوانند هم زمان از فرصت جمعیتی بهره ببرند و بستر رفاهی پایدار ایجاد کنند.

شوک های بزرگ و ناپایداری

تداوم ناپایداری جهانی، نظام های تأمین اجتماعی را به «خط مقدم مدیریت بحران» تبدیل کرده است. بلایای طبیعی، رویدادهای شدید اقلیمی، نوسان های اقتصادی و بحران های بهداشتی مجموعه ای از هزینه های پیش بینی نشده ایجاد می کنند. ارائه خدمات پایدار در شرایط بحران، نیازمند سرمایه گذاری در سیستم های پیش، تحلیل داده و چارچوب های سیاستی انعطاف پذیر است تا امکان واکنش سریع و هماهنگ فراهم شود.

مهاجرت و خلأ حمایت

افزایش مهاجرت های ناشی از جنگ، ناتوانی اقتصادی یا تغییرات اقلیمی، شکاف های قانونی و اداری در پوشش اجتماعی را برجسته تر کرده است. درحالی که مهاجران می توانند نقشی مؤثر در تقویت منابع بیمه ای داشته باشند، بسیاری از آنان از حداقل حمایت ها محرومند. توافق نامه های دوجانبه و چندجانبه برای انتقال حقوق بیمه ای پیشرفت کرده، اما خلأهای قابل توجهی—به ویژه در برخی مناطق—همچنان پابرجاست.

اشتغال غیررسمی و جوانان بیکار

گسترده شدن اشتغال غیررسمی در بسیاری از کشورها، دسترسی میلیون ها کارگر به تأمین اجتماعی را محدود کرده است. در آفریقا، نزدیک به ۸۰ درصد نیروی کار در بخش غیررسمی فعالیت می کند؛ موضوعی که منابع مالی را کاهش و شکنندگی اقتصادی را تشدید می کند. بیکاری گسترده جوانان نیز، بهره گیری از «فرصت جمعیتی» را دشوار کرده و آینده مالی نظام های رفاهی را تهدید می کند.

دهه جدید در حالی آغاز می شود که جهان با لایه هایی از بحران، تحول و بازآفرینی روبه رو است؛ لایه هایی که زیرساخت رفاه را در هر منطقه دگرگون کرده و نظام های تأمین اجتماعی را وارد مهم ترین دوره بازطراحی در یک قرن اخیر کرده است. فشارهای جمعیتی، شوک های اقتصادی و زیست محیطی، جهش فناوری، جابه جایی های بزرگ انسانی و تغییرات ژرف در بازار کار، چهره حفاظت اجتماعی را متحول کرده اند. اکنون بیش از هر زمان دیگر، کشورها برای بازتعریف معماری تأمین اجتماعی و ساخت نظام های تاب آور، پایدار و فراگیر تلاش می کنند؛ نظام هایی که توان ایستادگی را در برابر شوک ها و تضمین امنیت اجتماعی برای نسل های آینده داشته باشند.

موج بحران های هم زمان

سه سال گذشته برای نظام های تأمین اجتماعی دوره ای از بحران های متوالی و درهم تنیده بود؛ از پیامدهای پسا کرونا گرفته تا تنش های ژئوپولیتیک و بلایای طبیعی. این موج بحران ها، همراه با تغییرات فناوری و فشارهای جمعیتی، ساختار خانواده، بازار کار و الگوی اشتغال را دگرگون کرده است.

سالمندی جمعیت در بسیاری از کشورها، کسری منابع بیمه ای را تشدید کرده و ظرفیت مالی نظام ها را در معرض آسیب قرار داده است. در همان حال، کار پلتفرمی و اشکال جدید اشتغال، مرزهای سنتی کارفرمایی و بیمه پردازی را شکسته و میلیون ها نفر را به طبقه «میانی های گم شده» افزود؛ گروهی که نه از حمایت مبتنی بر حق بیمه بهره مندند و نه پوشش مالیات محور شامل حال آنان می شود.

در کنار آن، سرمایه گذاری اندک در حوزه مراقبت—به ویژه مراقبت سالمندان و کودکان—بخش بزرگی از مراقبان، عمدتاً زنان را از بازار کار رسمی دور نگه داشته است. به این ترتیب، بحران های چندگانه نه تنها بار مالی، بلکه بار مراقبتی و اجتماعی نظام ها را سنگین تر کرده است.

بازتعریف نقش تأمین اجتماعی

در برابر این فشارها، کشورها تلاش می کنند صورت بندی جدیدی از حق تأمین اجتماعی برای همه ارائه دهند. اولویت ها شامل گسترش پوشش برای کارگران غیررسمی، کارگران پلتفرمی، مهاجران، مراقبان و گروه های فاقد دسترسی است. نوآوری های دیجیتال نیز به موتور تحول ساختارهای رفاهی تبدیل شده اند؛ از پرونده های الکترونیک و خدمات موبایلی تا احراز هویت بیومتریک و تحلیل داده های پیش بینانه. این ابزارها به گسترش پوشش، کاهش هزینه ها و افزایش کارآمدی کمک می کنند؛ هر چند شکاف دیجیتال همچنان تهدیدی جدی

مریم حسینی

روزنامه نگار

جهان به

آستانه

بازطراحی

بزرگ رفاه

رسیده؛ جایی

که تأمین

اجتماعی

باید میان

منابع محدود،

جمعیت

دگرگون شده

و شوک های

فزاینده

تعادلی تازه و

پایدار ایجاد

کند